

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، پیاپی ۳۹، صص ۱۵۹-۱۹۰

تاریخ انگاره «کرم» در فرهنگ عصر نزول

احد فرامرز قراملکی^۱

شادی نفیسی^۲

مریم قاسم احمد^۳

DOI: 10.22051/tqh.2018.20266.2003

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

چکیده

در میان معانی متعدد ریشه «کرم»، معنای «بخشش» تنها در زبان‌های جنوبی حاشیه‌ای و دیگر معانی این ریشه، احترام، اعتبار و شرافت تنها در زبان عربی ملاحظه می‌شود. اما ظهور این معانی را در آخرین مراحل فرایند معناسازی «کرم» در فرهنگ عصر نزول، از لحاظ اجتماعی و فرهنگی چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ و اینکه آیا فرایند معناسازی کرم، در قرآن کریم نیز تداوم یافته و اصولاً معانی ریشه «کرم»، پیش از نزول و پس از آن، چه ارتباطی با یکدیگر دارند و از حیث علل، انگیزه و کارکرد چگونه‌اند؟

بر مبنای مطالعه انسان‌شناسانه پدیده بخشش، مفهوم کرم را در فضای عربستان قبل از نزول دوگونه می‌توان تحلیل نمود: (۱) بر پایه انگیزه‌ها و (۲)

ghmaleki@ut.ac.ir

^۱ استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

shadinafisi@ut.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

ghasemahmad@ut.ac.ir

^۳ دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری بوده و با راهنمایی و مشاوره دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع)، به نگارش درآمده است.

از طریق کارکردهای بخشش. زیرا صاحبان قدرت با توجه به تغییر گفتمان اقتصادی شبه جزیره و با انگیزه کسب اعتبار، احترام و به منظور پی‌ریزی مجدد قدرت اکتسابی به بخشش روی می‌آوردند. بخشش، به آفرینش انگاره شرافت در میان مردم منجر می‌گردید و میان شرافت و بخشش و کسب و تثبیت قدرت بیشتر ارتباط برقرار می‌شد. صاحبان قدرت از طریق خلق انگاره بدل و بخشش‌های خویش و درافکندن آن خیال به اذهان مردمان، رفته‌رفته از مقبولیتی چشمگیر برخوردار می‌شدند. در مقابل از آنجا که مبدأ کرم در جهان‌بینی قرآنی خداوند است و نه انسان‌ها، باید بر محور تقوای الهی باشد، به همین دلیل نیز این دو تحلیل تبیین دقیقی از بازتعریف انتقادی «کرم» در جهان‌بینی قرآن پیش روی ما می‌نهد که در مواجهه با پدیده بخشش جاهلی از نظر بستر شکل‌گیری، انگیزه‌ی جبران و نوع انجام آن متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: کرم، تاریخ انگاره، انسان‌شناسی اقتصادی، معنانشناسی قومی، احترام، بخشش جاهلی، مبادله‌ی هدیه‌ای.

مقدمه

واژه «کرم» یکی از مفاهیم پرکاربرد و مألوف فرهنگ پیش از نزول و دارای بازتاب ویژه در قرآن کریم است. البته این سخن به منزله تعریف «کرم» در قرآن نیست. کاربرد این مفهوم در نخستین آیات وحی، اشاره به اهمیت آن و حاکی از تبیین این مفهوم دارد. با این وجود، فرهنگ پیش از نزول، چنان‌که از اشعار و منابع جاهلی برداشت می‌شود غالباً نشانه برخورداری از طبع کریم را برای یک فرد، داشتن روحیه افراطی بخشش بی‌حد و حصر و دست‌یابی به شهرت می‌داند (جوادی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۳۱۵).

در حالی که آغازین نزول آیات وحی، نعمات خلقت و آموختن را از سوی خداوند، مهم‌ترین مظاهر کرم و آن هم از نوع ربوبی و نه انسانی برمی‌شمارد که با کاربرد جاهلی آن تمایزی بسیار دارد. علاوه بر این «کرم» در معنای مورد تأیید قرآن، توأم با تقوای الهی و نه به قصد خودنمایی و شهرت است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ

شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ» (حجرات: ۱۳). این نوع کاربرد خود حاکی از تفاوت ماهوی «کرم» در جهان‌بینی عصر نزول و جهان‌بینی قرآنی است. بدین معنا که با دو جهان‌بینی متفاوت در خصوص مفهوم «کرم» مواجهیم.

با این وجود باید خاطر نشان شد که، مفهوم بخشش به عنوان یکی از معانی مهم ریشه «کرم»، از شاخص‌ترین معانی این ریشه در هر دو جهان‌بینی به شمار می‌آید. علاوه بر بخشش، معانی اعتبار، احترام و شرافت نیز چنان که از اشعار و منابع لغت به دست می‌آید، از معانی دیگر این ریشه است که در فرهنگ عصر نزول و نیز در قرآن و روایات نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ شواهد بسیاری از چنین کاربردهایی در اشعار جاهلی، کتب لغت و آیات قرآن یافت می‌شود.

توجه به گستره معانی و کاربردهای «کرم» در اشعار و منابع جاهلی و تفاوت آن با کاربردهای قرآنی، ضرورت تبیین این مفهوم را دو چندان ساخته، سوالات متعددی را پیش روی ما می‌نهد که ظهور متعدد معانی «کرم» را در آخرین مراحل فرایند معناسازی «کرم» در فرهنگ عصر نزول، از لحاظ اجتماعی و فرهنگی چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ و اینکه آیا فرایند معناسازی کرم پیش از نزول، در قرآن نیز تداوم یافته و اصولاً معانی ریشه «کرم»، پیش از نزول و پس از آن، چه ارتباطی بایکدیگر دارند و از حیث علل، انگیزه و کارکرد چگونه‌اند؟

به این منظور با توجه به اهمیت پدیده بخشش، احترام و اعتبار - از معانی این ریشه - در پژوهش‌های قومی و انسان‌شناسی، ناگزیر از بررسی دیدگاه انسان‌شناسان در تبیین این معانی خواهیم بود. زیرا از منظر انسان‌شناسی، بخشش به مثابه یک واقعیت و پدیده اجتماعی انگیزه و کارکردهای متعددی دارد که می‌توان در تحلیل پدیده بخشش جاهلی، عوامل، بستر و انگیزه‌های آن را در فرهنگ و جهان‌بینی عصر نزول مورد واکاوی قرار داد. این نتایج، می‌تواند یاریگر ما در تبیین دیدگاه انتقادی قرآن در مواجهه با پدیده بخشش جاهلی از نظر بستر شکل‌گیری، انگیزه جبران و نوع انجام آن باشد.

۱. مفهوم «کرم» در فرهنگ عربی - اسلامی

۱-۱. ریشه‌شناسی واژه «کرم»

«کرم» ریشه‌ای مشترک در زبان‌های سامی است و در زبان اُکدی به معنای انگور، تاکستان و بیشتر شراب است (Black, 2000, p.148 & CAD, 1964, v8, pp.200-206) که در مراسم‌های آئینی به‌خصوص در قربانی برای خدایان پیش‌کش و تقدیم می‌شده است (CAD, 1964, v8, pp.200-206).

در آرامی ܟܪܡ (کرم)، به زمین مورد کاشت و زرع محصور مانند تاکستان انگور و یا باغ درختان زیتون گفته می‌شود (Jastrow, 1950, pp.671). همچنین در آرامی، می‌توان از ساخت ܟܪܡܐ (کرم) به معنای شراب نیز یاد کرد. ساخت ܟܪܡ «KRM» در آرامی به معنای احاطه کردن و شدن، فراگرفتن و متراکم شدن نیز آمده است؛ مانند لباسی که روی هم جمع و فشرده شود (Jastrow, 1950, pp.671).

این واژه در کتاب مقدس نیز در معانی دشت وسیع و حاصلخیز با انبوهی از گیاهانی با کیفیت، باغ و باغستانی آباد و حاصلخیز (داوران، سوره ۵، آیه ۱۵)، راهی که به باغ یا باغستان منتهی می‌شود و نیز منطقه‌ای که، به وسیله بشر، مورد استفاده و کشت قرار گرفته، به کار رفته است (اشعیا، سوره ۷، آیه ۵ و نیز لوقا، سوره ۲۲، آیه ۹). علاوه بر این، در زبان عبری معانی بخشندگی و برکت دادن (پیدایش، سوره ۹، آیه ۲۰) نیز برای این واژه ذکر شده است.

در زبان حبشی از زبان‌های جنوبی، این واژه به معنای باران و از مواهب زمستان و مبنای بخشندگی است. به خداوند نیز از این جهت که بر کوه‌ها و دشت‌ها سبزه می‌رویاند، کریم اطلاق شده است (Dillman, 1865, pp.834).

کرم (karma) در زبان حبشی، به معنای گذراندن فصل بارانی شامل ژوئیه، ژوئن تا سپتامبر و زمستان است. مکرم (makrām) نیز به معنای مسکن و اقامتگاه زمستانی است. دیلمان معتقد است کرم (karama) و کرم (karəma) به معنای بارانی که ابرها می‌بارند، بعدها به معنی بخشنده به کار رفته است (Dillman, 1865, pp.334).

لسلاو واژه کرم (karama) را در میان زبان‌های سامی به معنای بخشنده و سخاوتمند be generous و نیز باران پر بازده و پرثمر می‌داند (Leslau, 1987, pp.292).

زامیت، معنای to honour را معادل عربی «کرم» و ساخت «KRM» را در فنیقی به معنای پرداخت آزادانه هزینه و در عربی افتخار، احترام و شرافت می‌داند (zamit, 2002, pp. 538). گزنیوس نیز «کرم» را در عربی به معنای شریف و دارای ذات سخاوتمند می‌داند (Gesenius, 1939, pp. 445).

لندبرگ «المُکرم» را در یمن عنوانی احترام‌آمیز می‌داند (Landberg, 1905, v2, pp. 646). او در ارتباط با ریشه «کرم» معتقد است معانی گرامی‌داشتن و تمجید کردن، در کنار سیاست‌گذاری کردن نه تنها در جنوب، که در گویش‌های شمالی آفریقا نیز یافت می‌شود. واژه‌های بسیاری وجود دارند که با همین معنا در جنوب عربستان، شمال آفریقا و در عمان نیز رایج هستند. او بیت زیر را به عنوان تایید مدعای خویش گواه می‌آورد:

و الضَّيْفَ أَكْرَمَهُ، فَإِنَّ مَبِيتَهُ حَقٌّ، وَ لَا تَكُ لُغْنَةً لِلنُّزُلِ
وَ اعْلَمْ أَنَّ الضَّيْفَ مَخْبِرٌ أَهْلُهُ بِمَبِيتِ لَيْلَتِهِ وَ إِنْ لَمْ يُسْأَلْ^۱

او همچنین عبارت «اکرام الضیف» را در این بیت معادل واژه «یشکرهم» در زبان عربی جنوبی و به معنای گرامی‌داشتن و بزرگ‌داشتن (Honore) می‌داند. ترس از بخیل به نظر رسیدن در بین مردم تنها دلیلی است که اینجا برای میهمان‌نوازی مطرح می‌شود (Landberg, 1905, v2, pp. 634).

۱-۲. کاربرد «کرم» در فرهنگ عصر نزول

از آنچه بیان شد، چنین برداشت می‌شود که، شراب یکی از معانی اولیه ریشه «کرم» در متون کهن زبان عربی و در فرایند معناسازی این ریشه، در جهان‌بینی عرب پیش از اسلام یکی از معانی مهم آن است که با بخشندگی ارتباط تنگاتنگی دارد. اشعار جاهلی مملو از بخشندگی و سخاوت حاصل از باده‌نوشی عرب‌هاست.

عرب می‌گساری و باده‌نوشی را یکی از مظاهر قابل ستایش بخشش و دهش می‌دانست و معتقد بود، از آن جهت که شراب راه سخاوتمندی و کرم را باز می‌کند و زیاده‌روی در

^۱ میهمان را گرامی‌بدار، زیرا اسکان دادن او واجب است و برای کسانی که بر تو فرود می‌آیند چون مصیبت مباح و بدان که میهمان حتی اگر از او سوالی نشود، برای خانواده‌اش بازگو خواهد کرد که اسکان او در طول شب چگونه بوده است.

بخشش و دهش را برای انسان آسان می‌گرداند، قابل تحسین است. بر همین اساس درخت انگور را «کُرم» می‌نامیدند (ابن منظور، ج ۱۲، ص ۵۱۴). آنها غرق شدن در میخواری و زیاده‌روی در آن را مایه‌ی فخر و شرف خویش و نشان از «طبع کریم» خود می‌دانستند (ایزوتسو، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰). بیت زیر از معلقه‌ی طرفه‌بن‌العبد به خوبی بیانگر ارتباط «کرم» با معنای بخشش و شراب نزد عرب پیش از اسلام است:

كِرِيمٌ يُرَوَّى نَفْسَهُ فِي حَيَاتِهِ سَتَعَلَّمُ إِنْ مُتْنَا غَدًا أَيْنَا الصَّدِي

(شیخو، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۶۳، بیت ۶۸).

اشعار جاهلی آکنده از وصف کرم و فخر و مباحات به این سخاوت توأم با اسراف و افراط است. چنانکه به «حاتم طائی» که دهها بار تمامی مال خود را بخشید را به جهت بخشش‌های بسیارش مثل زنده و گویند: بخشنده‌تر از حاتم. و یا جود و سخا را به مردی به نام «کعب بن یاقه الایادی» که آب مورد نیازش را بخشید و در این بخشش از فرط عطش در گذشت، مثل زنده (جوادی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۵۷۵).

علاوه بر معنای «بخشش» در زبان‌های جنوبی، شاهد شکل‌گیری معنای «احترام، اعتبار و شرافت» نیز در این زبان‌ها هستیم. با این تفاوت که معنای این مرحله از فرایند شکل‌گیری ماده‌ی «کرم» یعنی ساخت معنای احترام و اعتبار، در میان زبان‌های سامی، تنها در زبان عربی از زبان‌های جنوبی حاشیه‌ای دیده می‌شود.

شاید بتوان فرایند ساخت معنای ابر و بارش باران از انگور و شراب و سپس بخشندگی فرد کریم از بخشندگی ابر را بر مبنای استعاره دانست؛ زیرا ساخت شراب که حاصل فشردگی انگور است. البته مفهوم فشردگی در آرامی نیز دیده می‌شود (Jastrow, 1950, pp. 671) که می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری معنای باران از ابر و در نتیجه فشردگی آن بر پایه‌ی علاقه‌ی مشابهت باشد. مؤید این سخن را می‌توان تعبیر قرآن دانست که ریشه «عصر» برای هردو ساخت شراب و انگور به کار رفته است. عبارت «إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا» (یوسف: ۳۶) به معنای فشردن انگور به منظور شراب است.

همچنین کاربرد ریشه «عصر» علاوه بر شراب برای ابرها با ساخت «معصرات» «وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا» (النبأ: ۱۴)، می‌تواند در مرحله دیگر معنی‌سازی، می‌تواند موید

استعاره باشد. یعنی از فشردن و ساخت شراب، فشردن ابرها و مفهوم بارش باران و سپس از بخشندگی ابر، بخشندگی فرد کریم، استعاره شده باشد. فرایند این معناسازی را شاید بتوان به دو صورت بیان نمود: مفهوم اولیه آن چنانکه در زبان اکدی نیز مشاهده نمودیم، به معنای انگور، تاکستان و بیشتر شراب و سپس در سایر زبان‌های سامی شامل معانی چون فصل باران‌زا، بارش باران، بازدهی، جود و بخشش، سخاوت و شرافت.

در این میان باید اشاره کرد که در تمامی معانی این ریشه در زبان‌های سامی، مفهوم محوری «دادن و بخشیدن» وجود دارد. ابرها و فصول بارانی مواهب بارانی را می‌بخشند. شراب و قربانی‌ها در معابد به خدایان بخشیده و پیشکش می‌شوند و زمین حاصلخیز محصول خوب می‌بخشد (قاسم‌احمد، ۱۳۹۶، ص ۴۹).

۱-۳. کاربرد «کرم» در ساختار قرآن کریم

ریشه «کرم» ۴۷ بار در قرآن در ساخت‌های متنوعی استعمال شده است که، ۳۳ کاربرد مربوط به سوره‌های مکی و تنها ۱۴ کاربرد متعلق به سوره‌های مدنی است. ریشه «کرم» در قرآن با واژگان متعددی هم‌نشین شده است که، این هم‌نشین‌ها می‌توانند در سه دسته مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند:

دسته اول زوج‌های معنایی که نوع ارتباطشان با واژه «کرم»، تنها ارتباطی نحوی است. دسته دوم زوج‌های معنایی که با ریشه «کرم» رابطه‌ای اشتدادی دارند. در آیه: «وَبَقِيَ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن: ۲۷)، چنانکه می‌بینیم، دو مفهوم «الجلال و الاکرام» اگرچه به یک معنا نیستند، اما از نظر معنایی یکدیگر را تقویت کرده‌اند. دسته سوم نیز زوج‌هایی هستند که از رابطه‌ایی تقابلی برخوردارند مانند مفهوم اهانت و کرامت در آیات ۱۵ و ۱۶ از سوره مبارکه فجر که در نقطه مقابل یکدیگر از نظر معنایی هستند.

باید توجه داشت که از میان تمامی هم‌نشین‌های «کریم» در قرآن، واژه «رب» بیشترین میزان باهم‌آیی را با ریشه «کرم» دارد و «رب» به عنوان مصداق اتم «کریم» در قرآن معرفی می‌شود. در نخستین آیات قرآن در آغاز وحی شاهد استعمال این ریشه، نه برای افراد که

برای خداوند هستیم: «أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۱-۵).

تصویر روبرو برپایه معناشناسی ساختاری، تمامی همنشین‌ها و جانشین‌های ریشه «کرم» را در قرآن کریم با بسامد آنها ارائه می‌دهد (قاسم احمد، ۱۳۹۶، صص ۱۰۵-۷۵).

هیچ تصویری ضمیمه نشده است.

۲. «بخشش» و «هدیه» از منظر انسان‌شناسی اقتصادی

بر مبنای آنچه که از خلال دستاوردهای معناشناسی تاریخی این پژوهش بدان دست یافتیم، مفاهیم «دهش و بخشش» را می‌توان از معانی محوری «کرم» به‌شمار آورد که خود صحنه پژوهش‌های گسترده انسان‌شناسان بزرگی چون مارسل موس^۲، انسان‌شناس برجسته فرانسوی (۱۸۷۲-۱۹۵۰) است. او برای نخستین بار موضوع هدیه و بخشش را در اثر معروفش «*the gift*» مورد تحلیل‌های انسان‌شناسانه قرار داد.

موس از خلال مطالعات مردم‌نگارانه، اصول و قواعد مشترکی پیرامون پدیده هدیه کشف نمود و تفسیرهای بسیار دقیقی از نظام هدیه و بخشش، خاستگاه و پیامدهای آن ارائه داد. به اعتقاد او نظام هدیه و بخشش را به مثابه هر پدیده اجتماعی باید به صورت پدیده‌ای تام در نظر گرفت که به لحاظ اجتماعی، در همه جوامع و با وضوح بیشتر در جوامع ابتدایی، با بخش‌های مختلف اقتصاد، سیاست، فرهنگ، مذهب، تاریخ و... به طور کلی همه چیز یک جامعه در ارتباط و درهم‌تنیده است. به این عنوان همه واقعات، مسائل و پدیده‌های اجتماعی ماهیتاً یک کل هستند (حتی جزئی‌ترینشان هم یک کل است) و آنگاه

^۲ Marcel Mauss

که یک حقیقت اجتماعی مانند ریا یا تظاهر و چندگانگی را مطالعه می‌کنیم، هر چند کوچک، می‌تواند دریچه‌ای به تمام آن جامعه باشد (Mauss, 1966, p3).

با چنین دیدگاهی او پدیده بخشش را مورد تحلیل دقیق قرار داده، نشان داد که در پس پرده‌ی هدایای سخاوتمندانه‌ی مردمانِ جوامع به یکدیگر که در نگاه اول اختیاری، بی‌غرض و خودجوش و امری ساده به نظر می‌رسد، در عمل با الزام‌هایی توأم با انگیزه‌هایی سودجویانه مواجهیم که بیشتر بر مجموعه‌ای سازمان‌یافته از مقررات و الزامات متکی است که ما باید چنین اصولی را که در پس این شکل از مبادله نهفته است، استخراج و مورد تجزیه و تفکیک قرار دهیم (Mauss, 1966, pp.150-151؛ مور، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶؛ رضانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷، دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۹۴).

دیدگاه‌های تحلیل‌گرانه موس از پدیده بخشش، می‌تواند تبیین دقیقی از بخشش را در عصر نزول پیش روی ما نهاده، یاریگر ما در دست‌یابی به بستر، خاستگاه، انگیزه، علل و پیامدهای بخشش در آن عصر، در مواجهه با دیدگاه انتقادی قرآن باشد.

۳. «بخشش» و «هدیه» و جایگاه آن در نظام‌های مبادله

مبادله (Exchange) از نظر لغوی به معنی کسی یا چیزی را بدل کردن، چیزی را عوض چیز دیگر گرفتن است. این چیز می‌تواند انسان یا حیوان، مادی یا غیر مادی، مانند احترام، کمک و... باشد (رضانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴).

اگرچه مفهوم مبادله نزد انسان‌شناسان عمدتاً در حوزه انسان‌شناسی اقتصادی مطرح می‌شود، اما آنها از همان ابتدا در پژوهش‌های خود به جنبه‌های غیر مادی مبادله اذعان داشته‌اند. به همین دلیل نیز در مقابل نظریه مشهور مبادله رفتاری از سوی جامعه‌شناسانی چون هومنز^۳ (۱۹۱۰-۱۹۸۹)، که مبنای هر نوع رفتار انسانی در مواجهه با انسان دیگر و یا متغیرهای محیطی را مکانیزم تنبیه و پاداش و تمایلات سودانگاران می‌دانند، نظریه مبادله غیررفتاری از سوی انسان‌شناسانی چون جیمز فریزر^۴ (۱۹۴۱-۱۸۵۴) شکل گرفت. و از

^۳. George Homans

^۴. James George Frazer

منزلت نابرابر و تلاش برای کسب منزلت بیشتر به عنوان دلایل مبادله یادشد(رمضانی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵).

موس که معتقد بود در یک مبادله ما نه فقط با یک پدیده اقتصادی که مجموعه‌ای از پدیده‌ها مواجهیم. او در مطالعه هدیه، دو نوع نظام مبادله، نظام مبادله مبتنی بر قواعد دادوستد عرضه و تقاضا (بازار) و نظام مبتنی بر دادوستد و مبادله هدیه‌ای را در جهان تفکیک کرد (Mauss, 1966, p.13).

اصطلاح مبادله هدیه‌ای در انسانشناسی اقتصادی به معامله‌ای اطلاق می‌شود که در آن یک فرد کالا یا محصولی را به فرد دیگر می‌دهد و پس از گذشت مدت زمانی، گیرنده نیز همان کالا یا محصول را در پاسخ به آنچه دریافت کرده، به دهنده بازپس می‌دهد. به این ترتیب در تعریف انسانشناختی، بازپس‌دهی هدیه قابل انتظار و جبران نمودن دهش از ارکان اصلی این معامله اقتصادی محسوب می‌گردد. از نظر اجتماعی در فرایند هدیه، دادن هدیه، گرفتن آن و جبران کردن آن توسط گیرنده، نوعی اجبار وجود دارد؛ این اجبار اجتماعی ناشی از این واقعیت است که هدیه با تمام ابعاد اقتصاد، سیاست، مذهب، هنر و جهان‌بینی و نظام خویشاوندی در ارتباط است. هدیه یک نشانه فرهنگی است و در نظام اقتصاد جوامع سنتی، کوچک و دست‌ناخورده، اساس زندگی اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود (Mauss, 1966, p.2).

مبادله هدیه‌ای از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین مبادلات اقتصادی در میان جوامع مختلف است. هدیه در اصطلاح انسان‌شناختی اقتصادی مانند بسیاری از اصطلاحات این علم از مؤلفه‌های معنایی ویژه‌ای برخوردار است که آن را از کاربردهای غیرفنی و متعارف متمایز می‌سازد. در اصطلاح عامیانه، دادن چیزی است به صورت مجانی و کاملاً داوطلبانه که دهنده‌ی آن از گیرنده هیچگونه انتظار تلافی و بازپرداخت نداشته و در انتظار بازگشت و پس‌دادن آن نباشد، در حالی که هدیه در اصطلاح فنی به مثابه مبادله‌ای اقتصادی به‌شمار می‌آید (strathern & stewart, 2005, p.230).

نگاهی به این نوع تعامل اقتصادی به وضوح حاکی از آن است که طرفین آن در پی دست‌یابی به کالاها و محصولات نیستند؛ زیرا بی‌گمان دست‌یابی به کالاهای مورد نیاز از

راه‌های بهتری چون مبادله پایاپای نیز امکانپذیر است. به این ترتیب برخلاف مبادلات کالا به کالا که شاهد توجه طرفین به کالاها و محصولات - و نه روابط اجتماعی - هستیم، در مبادلات هدیه‌ای شاهد توجه طرفین به روابط اجتماعی و تعمیق آن می‌باشیم. به بیان دیگر انگیزه اصلی از این معامله اقتصادی، ایجاد ارتباطات اجتماعی، حفظ، گسترش و تعمیق آن است و از این رهگذر کالاها و محصولات تنها نقش ابزاری برای دستیابی به این هدف را برعهده دارند. به این ترتیب مبادلات هدیه‌ای نشانه‌ای واضح و نمایان بر نقش اقتصاد و کارکرد بی‌بدیل آن در مناسبات اجتماعی، به ویژه مردمان باستانی است که حتی از مهم‌ترین اشکال روابط اجتماعی و باعث ایجاد و تقویت جوامع انسانی می‌شود (وایزمن، ۱۳۷۹، ص ۵۸).

۴. انگیزه‌های «بخشش» و الزامات آن در نظام مبادله هدیه‌ای

انسان‌شناسان اقتصادی برآنند که بدون شک مهم‌ترین اصل انسان‌شناختی در تعاملات هدیه‌ای، اصل جبران در این نوع معاملات است. بازپرداخت هدیه و آنچه که مبادله می‌شود، از تعهدی جدی برخوردار است (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۹۷). از آنجا که مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی در بازپرداخت هدیه شرکت دارند، می‌توان انگیزه‌هایی اخلاقی و یا سیاسی را در فرایند هدیه مطرح نمود.

۴-۱. هدیه و انگیزه‌های اخلاقی جبران آن

هدیه و بخشش با توجه به ماهیت تام خود در جوامع بدوی امری صرفاً اقتصادی نبوده، از جنبه‌های متعددی قابل بررسی است. چنانکه موس اظهار احترام یا اعلام عدم وجود خصومت به طرف مقابل، الزام‌گیرنده به باز پس دادن چیزی لااقل معادل آنچه دریافت شده را، از دیگر وجوه پنهان تبادل هدایا و انگیزه‌هایی اخلاقی می‌داند.

۴-۱-۱. تبادل هدیه و ازدیاد نعمت

موس در در رابطه با انگیزه‌های اخلاقی تبادل هدیه در پژوهش‌های خود به روحی جادویی با نام «هو»^۵ اشاره می‌کند که در قالب هدیه از هدیه‌دهنده به گیرنده آن منتقل می‌شود و تصادفی و اتفاقی بودن هدیه و بخشش را منتفی می‌سازد.

«هو» در فرهنگ آنها قدرتی جادویی است که در جنگل‌ها زندگی می‌کند و در هدایا وجود دارد و در قالب هدیه از دهنده به دریافت‌کننده هدیه منتقل می‌شود و گیرنده را ملزم می‌سازد تا کالایی را که دریافت کرده برای خود نگاه ندارد. بعدها انسان‌شناسان اقتصادی در پژوهش‌های خود از مفاهیم دیگری به جز «هو» به عنوان عامل جبران در هدیه سخن رانده‌اند؛ اما تحلیل موس بر الزامات اخلاقی طرفین و نیز بُعد غیرمادی جبران هدیه، و رای مناسبات مادی و سیستم عرضه و تقاضای بازار، همچنان مورد تایید همگان است.

این باور موس، متأثر از اعتقاد مائوری مردمان زلاندنو^۶، علاوه بر ادای احترام به هدیه دهنده، باعث نوعی گردش اجباری ثروت نیز می‌شود و به دهنده آن نیز بیش از اهداکننده اصلی نوعی تسلط و قدرت خواهد داد (Mauss, 1966, pp.12-13).

هرچه این بخشش‌ها با قاعده سخاوت انجام شود و اموال و اشیاء با ارزش تری بخشیده شود، نتیجه مطلوب‌تری عاید دهنده آن می‌شود؛ و این دقیقاً همان چیزی است که به عنوان مولفه‌های «پتلاچ»^۷ باید از آن سخن گفت: ایفای تعهدی که در پی دریافت هدیه برای گیرنده به وجود خواهد آمد و منزلت یا به تعبیر مردمان «مائوری»، «مانا»یی (قدرتی روحانی و معنوی) است که به فرد در ازاء هدیه و بخشش او، ثروت بیشتر ارزانی می‌کند (Mauss, 1966, pp.12-13).

^۵. hau

^۶. قومی از تبار پلی‌نزی هستند که در سده دهم میلادی از جزایر گرمسیر و استوایی اقیانوس آرام به جزایر معتدل نیوزیلند کوچیدند و تمدن مائوری را بنا نهادند.

^۷. Potlach

واژه پتلاچ از ریشه‌ی چینوک در جوامع کهن به معنی «هدیه‌دادن» یا «دهش» است.

برخی اعتقادات مانند آنچه که مردمان جوامع شمال شرقی سبیری و اسکیموهای غرب آلاسکا بدان باور دارند، حاکی از آن است که خدایان و ارواح مردگان نیز در دریافت هدایا با یکدیگر در رقابتند و همین امر آنها را وامی دارد تا هرچه بیشتر با انسان‌ها با سخاوت مواجه شده، ثروت بیشتری را عاید دهندگان بخشش سازند. به همین دلیل آنها با ریختن مازاد گوشت حیوانات به داخل دریا یا سپردن آن به دست باد، در حقیقت به باور خود این هدایا را به زادگاه‌های اصلی‌اشان باز می‌گردانند تا سال بعد بیشتر از آنچه داده‌اند دریافت کرده، از طریق این بخشش‌های اندک، ثروت بیشتری عایدشان شود.

به این ترتیب انگیزه‌ی اصلی سخاوت مردانی را که به عنوان هدیه دادن، اشیاء را به دیگران می‌دهند و یا آن را برای خدایان نابود می‌کنند (قربانی)، می‌توان همین ایده دانست که تبادل هدیه، فراوانی ثروت را به ارمغان می‌آورد. و این دقیقاً به معنای هدیه‌ای است که به بهترین طریق جبران می‌شود. زیرا نه تنها آن هدیه باز می‌گردد، بلکه زیاد می‌شود و در هنگام جبران چندبرابر می‌شود. اعتقادی که در میان بسیاری از ادیان به گونه‌های مختلف وجود دارد. در لاتین تعبیر *do ut des* و در سانسکریت (*dadami se, dehei, me*) که از طریق متون دینی به دست ما رسیده‌اند، مؤید همین باورند (Mauss, 1966, p.11).

۴-۱-۲. هدایا به مثابه صدقه و خیرات

از منظر انسان‌شناسی تئوری خیرات و صدقات، از یک سو حاصل ایده‌ای اخلاقی در خصوص هدیه و ثروت و از دیگر سو حاصل اعتقاد به فداکاری و قربانی، بخشش و سخاوت برای خدایان است.

بر مبنای چنین باوری انسان‌ها ملزم به قرارداد با ارواح خدایان و مردگان به عنوان اولین موجودات هستند زیرا آنها در حقیقت مالکان واقعی ثروت جهانند و عدم انجام مبادله با آنها بسیار خطرناک است. ثروتمندان باید برای رضایت خدایان قربانی کرده و از اموال خود ببخشند زیرا در غیر این صورت در باور بسیاری از ادیان، نمیسس (خدای انتقام)، انتقام ثروت و شادی بیش از حد را از ثروتمندان با دادن آن به فقرا و خدایان می‌گیرد.

در میان اسکیموهای غرب آلاسکا نیز باقی‌مانده قربانی‌ها با این تصور که در سال آینده به سوی آنها باز گردد و در حقیقت جبران شود، به دریا ریخته می‌شود (Mauss, 1966, pp. 16-17). این به آن معناست که در باور بسیاری از ادیان خدایان و ارواح مایلند تا سهمی که برای آنها کنار گذاشته شده و یا در قربانی بی‌استفاده مانده و ممکن است از بین برود، به فقرا و کودکان داده شود. به همین دلیل صدقه و بخشش به نیازمندان، نوعی شکرگزاری و سپاسگزاری از خدایان است (Mouse, 1966, p. 28-29).

در همین رابطه می‌توان به پکالا (Pokala) و کاریبوتو (Kaributu) گونه‌هایی از هدایای تقدیمی در مبادله کولا^۸ اشاره کرد که به مثابه مصداق و سپاسگزاری باید به خدایان بازپرداخت شود (Malinowski, 1922, p. 75) و به تعبیر موس، به آنچه که ما دستمزد می‌نامیم بسیار نزدیک است (Mouse, 1966, P. 28).

چنین میراثی اخلاقیات را به جایگاهی ارتقا خواهد داد که به مبنایی برای عدالت مبدل خواهد شد. چنانکه واژه «sadaka»، شبیه واژه عبری «zedaqa» در ابتدا منحصر به معنای عدالت بوده و بعدها معانی بخشیدن پول یا مال به فقرا و نیازمندان به آن افزوده شده است (Mauss, 1966, pp. 16-17).

۴-۲. «هدیه» و انگیزه‌های سیاسی آن

انسان‌شناسان صرف‌نظر از انگیزه‌های اخلاقی هدیه و جبران آن، از انگیزه‌های دیگری مانند نیاز به کسب اعتبار و احترام سخن رانده‌اند که «مازلو»، روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی (۱۹۰۸-۱۹۷۰)، نیز در هرم نیازهای خود آنها را در اولویت نیازهای افراد برشمرده است.

انگیزه‌های افتخار (Honor) و اعتبار (Prestige) در رقابت برای دست‌یابی به قدرت و ثروت، پشتوانه محکمی هستند که از طریق هدیه‌دادن محقق می‌شوند (Mauss, 1966, p. 6). برای نمونه پدیده هدیه نمایشی پتلاچ^۹ در میان بومیان آمریکا، در حقیقت رقابتی برای

^۸ مالینوفسکی در اثر "دربانوردان اقیانوس آرام غربی" از کولا به مثابه یک نظام مبادله هدایا یاد می‌کند (Malinowski, 1922, p. 75).

^۹ Potlach

دست‌یابی به اعتبار و قدرت است که با بخشیدن هر چه بیشتر دارایی و ستایش بیش از اندازه از خویشتن و با هدف احراز شخصیت، انجام می‌شود. هنگامی که نزاعی میان دو نفر یا دو گروه در می‌گیرد، یکی از آنان می‌تواند جشنی به نام پتلاچ برپا کند و با توزیع هر چه بیشتر مال خود، رقیب را سرافکننده و مقهور سازد.

واژه‌ی پتلاچ از ریشه‌ی چینوک در جوامع کهن به معنی «هدیه‌دادن» یا «دهش» است. این مبادله‌ی هدیه‌ای، نخستین بار توسط بوآس^{۱۰}، انسان‌شناس آلمانی-آمریکایی و یکی از بنیانگذاران اصلی انسان‌شناسی و مردم‌شناسی نوین آمریکا (۱۹۴۲ - ۱۸۵۸)، از خلال مطالعات میدانی او در میان بومیان آمریکا به دست آمد.

بوآس این نوع مبادله را در چارچوب رقابت میان چند رئیس که هر کدام از طریق بخشش‌های خود مدعی حق بر خورداری از موقعیت عالی در سلسله مراتب اجتماعی بودند، مورد تحلیل قرار داده است. این نوع دهش شامل عملی مناسکی و تشریفاتی در میان سرخ‌پوستان است و از آنجا که سرخپوست نوشتار نمی‌شناسد، برای اینکه تضمینی داده‌باشد، آن را در ملاء عام و به منظور رقابت برای تحکیم و ترفیع موقعیت اجتماعی خود انجام می‌دهد.

در پاره‌ای از این موارد هر یک از روسا هدایائی به دیگران می‌دهد و آنها موظفند هدایای او را بپذیرند و در مقابل هدایائی با حداقل دو برابر ارزش بازگردانند. گاهی نیز آنها تعدادی از قایق‌ها و سینی‌های مسی با ارزش خود را نابود و حتی برخی بردگانشان را قربانی می‌کنند. در مقابل روسای دیگر نیز مجبورند تا حداقل همان مقدار از اموال خود را منهدم کنند. گاه نیز پتلاچ جهت حفظ آبرو برگزار می‌شد. بدین معنی زمانی که فردی به دلیل شکستی، حرمتش خدشه‌دار شده است، با برپایی پتلاچ و اهدای هر چه بیشتر دارایی، آبروی رفته را باز می‌ستاند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۲).

رئیی که از عهده این رقابت برآید، از حیثیت اجتماعی بالایی برخوردار و آنکه قادر به انجام این کار نباشد حیثیت خود را از دست می‌دهد و موقعیتی متزلزل پیدا می‌کند (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۶۹).

^{۱۰}. Boas

بر مبنای چنین مبادله‌ای، ما نه با نوعی خود بزرگ‌بینی پنداری و نه با نوعی قرض‌دهی برای بهره‌بردن بعدی، بلکه در حقیقت با نوعی توزیع مجدد منابع و تلاش برای دستیابی به یک جایگاه اجتماعی غالب و به رسمیت شناساندن آن مواجهیم. زیرا این روسا اموال خود را در برابر پاداشی غیرمادی یعنی دستیابی به اعتبار و موقعیت اجتماعی، از خود جدا می‌کنند.

در جوامع مدرن نیز، هدیه‌های بسیار سخاوتمندانه و ولخرجی‌های بسیار پرزرق و برق را باید درون فرآیندی از رقابت برای کسب حیثیت و آبروی بیشتر تحلیل کرد. یعنی فرد ثروتمندی که قصد دارد ثروتش را ریخت و پاش نشان دهد، به دنبال کسب اعتبار و منزلت است (ریور، ۱۳۸۶، صص ۱۳۶-۱۳۷). هدف او بخشیدن برای دادن نیست بلکه دادن برای تسلط یافتن و یا پس گرفتن در جبران آن است. از این رو پتلاچ نوعی توزیع مجدد منابع و تلاش برای به رسمیت شناساندن یک جایگاه اجتماعی غالب، نه نوعی خود بزرگ‌بینی به شمار می‌آید.

بنابراین پتلاچ بخششی سخاوتمندانه نیست بلکه دهشی دوسویه و غالباً با مبارزه‌طلبی همراه است. این بازی دائمی میان رؤسا در رقابت برای کسب حیثیت اجتماعی چندان ادامه می‌یابد تا عاقبت به پیروزی یکی از دوطرف بیانجامد (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۵۷) و به جای آنکه مانند سایر مبادلات هدیه‌ای به تعمیق روابط بیانجامد، به ابزاری برای تحقیر و رقابت برای کسب اعتبار و حیثیت اجتماعی بدل می‌شود. با این وجود این نوع مبادله تشریفاتی، رقابت را جایگزین جنگ و مبارزه‌ی مسلحانه می‌کند (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

گاهی در قبال هدیه چیزی درخواست نمی‌شود و حتی فردی برای نشان دادن این منظور که تمایلی به دریافت چیزی ندارد به سادگی شیء مایملک خود را از بین می‌برد. در این شیوه بیشتر ثروت مصرف و یا انتقال داده می‌شود اما این نقل و انتقال ثروت با قوانین و مقررات سخاوت انجام می‌گیرد و اگر روحیه‌ی دیگری جز سخاوت در میان باشد، بزرگ‌ترین تحقیر و اهانت به شمار می‌آید (Mauss, 1966, p.35).

در همین رابطه می توان به یکی از الگوهای دقیق در درک مناسبات پیچیده میان ثروت و قدرت از طریق پژوهش مارشال ساهلینز^{۱۱}، یکی از انسان شناسان مشهور در سال ۱۹۶۳ اشاره داشت. او دو نوع الگوی قدرت را در یک مکان به طور همزمان در مجمع الجزایر اقیانوسیه با نام بزرگ مرد^{۱۲} و بیانگر فضای ملانزیایی^{۱۳} در این جزایر و نام پاپوآ^{۱۴} یا رئیس^{۱۵} را معرف فضای پولنزیایی^{۱۶} آن در نظر گرفت. قدرت رئیس پولنزیایی، قدرتی ارثی است و قدرت بزرگ مرد ملانزیایی قدرتی از نوع شایستگی.

ساهلینز تضاد بیان شده میان این دو الگو را در ماهیت قدرت می داند. اگر رئیس پولنزیایی به وسیله یک موقعیت منتسب و از طریق جبرهای خویشاوندی قدرت دارد، برعکس بزرگ مرد ملانزیایی روز بروز مجبور به پی ریزی برتری خود است. او باید یک راهبرد فردی مانند استعداد متقاعد کردن، سخاوتمندی، مهارت در ابتکارات اجتماعی و شجاعت را برای بالا رفتن از نردبان مراتب اجتماعی به کار گیرد و در حین انجام آن، کاملاً از جبرهای خویشاوندی رهایی یابد.

یک بزرگ مرد، برای ارتقاء خود به هدیه و جبران آن اهمیت بسیاری می دهد؛ در حالی که رئیس پولنزیایی به هیچ یک از این اقدامات نیازی ندارد. او بر اساس یک ساختار هرمی کلان، بدون آنکه قدرتش را خود بنا کرده باشد، مسئولیت یافته است. و به دلیل اعطاء این قدرت از بدو تولد، نیاز به راهبرد ویژه ای برای رشد ثروت ندارد؛ زیرا ثروت به دلیل اینکه او رئیس است به سویش می رود. برای بزرگ مرد ملانزیایی این ثروت است که قدرت را به ارمغان می آورد، در حالی که برای رئیس پولنزیایی قدرت، ثروت را خلق می کند (دوپویی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۹، ۱۲۲ و ۱۲۳)

11. sahlins

12. big man

13. melansiens

14. papoue

15. chef

16. polynesienne

در جنوب جزیره بوگین ول در مجمع‌الجزایر سلیمان در اقیانوس آرام جنوبی^{۱۷}، شواهد دیگری از عملکرد بزرگ‌مرد توسط انسان‌شناسان از طریق برگزاری ضیافت‌ها نشان داده شده است. اقدامی که موجب اقتدار موثر او بر اعضاء گروه خود شده، از طریق این سخاوتمندی شهرت بسیاری را برایش به ارمغان می‌آورد (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳). شهرت او از طریق نوع رهبری‌اش در کمک به خویشاوندان، دوستان و آشنایان شکل گرفته و اقتدار او بر اساس شیوه سنتی مورد قبول همگان است.

بزرگ‌مرد در این مورد خاص با برگزاری ضیافت‌های ویژه، مداخله در موقعیت‌های مهم و کلیدی زندگی اجتماعی (ازدواج‌ها، عزاداری‌ها، برگزاری سالگردهای متنوع)، اقدامی افراطی از بخشندگی و مهمان‌نوازی (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳) و در حقیقت نوعی رقابت انجام می‌دهد. زیرا او کالاهای مادی را با این باور و چشمداشت هدیه می‌دهد که گیرنده ناتوان از جبران این کالاها با ارزش معادل است. به این ترتیب بزرگ‌مرد با هدف تبلیغ خود به شهرتی فطری دست می‌یابد که در نهایت به تسلط او بر هدیه‌گیرنده نیز خواهد انجامید (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳).

۵. بازخوانی اصول و انگیزه‌های مبادله‌ هدیه‌ای در آستانه نزول

۵-۱. پیشینه مبادلات هدیه‌ای در عربستان قبل از نزول

جغرافیای لم‌یزرع عربستان به دلیل کم‌آبی، خشکسالی‌ها و قحطی‌های طولانی‌مدت، طوفان‌های شن سهمگینی که منجر به تلف شدن دام‌ها و مزارع می‌شد، تولیدات کشاورزی و حتی دامداری را با مشکل بزرگی مواجه ساخته، مانع از سرمایه‌گذاری در حوزه تولید کالا و خدمات و انجام معاملات سودمحور در شبه جزیره می‌شد. از این رو، اقبال مردمان شبه جزیره را به انجام مبادلات هدیه‌ای به عنوان عاملی برای گسترش و تعمیق روابط اجتماعی میان مردمان بیشتر می‌کرد (علی، ۲۰۰۰، صص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ وات، ۲۰۰۲، صص ۶۴-۶۵).

^{۱۷}. Salomon

این نوع از معامله به تدریج، متأثر از ظهور رخدادهای مهم «تجارت» رنگ باخت. این رخداد مهم، چندین سال پیش از ولادت رسول اکرم (ص) در مکه در نتیجه سرد شدن روابط خارجی دو امپراتوری بزرگ آن زمان یعنی امپراتوری ایران و امپراتوری بیزانس روی داد و شهر مکه را که پیش از آن نیز به دلیل وجود خانه‌ی کعبه مرکز توجه قبایل و مردمان دور و اطراف بود، به یک مرکز بزرگ تجاری و شبه جزیره را به یک جاده ترانزیتی کالا مبدل ساخت (وات، ۲۰۰۲، صص ۵۱-۵۲). یثرب و طائف به عنوان مهم‌ترین مناطق تجاری و مکه نیز به عنوان مرکز اصلی تجاری انتخاب شد و قبیله قریش به عنوان ساکنان اصلی مکه، مدیریت این مرکز را بر عهده گرفتند. به این ترتیب این جاده ترانزیتی توانست کالاهای ارسال شده از اقیانوس هند را از طریق حجاز به شام و منطقه مدیترانه برساند. سوره قریش در قرآن به سفرهای تجاری قریش در این شرایط اشاره‌ای صریح دارد.

این رخداد بزرگ تأثیری عمیق بر شیوه تفکر اقتصادی مردم و تغییر آن به اقتصادی سودمحور، داشت. توزیع کالا و خدمات که تا پیش از این عمدتاً در مبادله پایاپای و مبادله هدیه‌ای و در نتیجه تقویت بیشتر ارتباطات اجتماعی خلاصه می‌شد، اکنون دیگر به دادوستد و عرضه و تقاضای بازار و به دنبال آن توزیع و مبادله کالا و خدمات و سودآوری مبدل گشته بود.

به این ترتیب، سخاوت و بخشش که پیش از این به دلیل نظام تبادل هدیه‌ای فضای غالب بر شبه جزیره بود، اینک در نظام مبتنی بر عرضه و تقاضا و بازار رنگ باخته و جای خود را به انباشت ثروت و کسب قدرت می‌داد و در نتیجه فرهنگ «قرض» که به دلیل مبادلات هدیه‌ای فضای غالب بود، به تدریج جای خود را به ربا و ثروت‌طلبی می‌داد. در چنین گفتمانی خداوند از کسانی که با جان‌ها و مال‌هایشان در راه او جهاد می‌کنند، بسیار تجلیل می‌کند و این نوع بذل جان و مال را به مثابه قرض به خود معرفی می‌کند.

درک عمیق از این تجلیل‌ها که از جهت کمی و کیفی حیرت‌آور است، تنها با توجه به گفتمان اقتصادی ناشی از تجارت امکان‌پذیر است. بی‌تردید هزینه کردن ثروت در راه

جهاد الهی و در زمانه‌ای که اکثریت مردم در پی گردآوردن آن بودند، خصلتی قابل ستایش و تحسین برانگیز است (شیرزاد، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

ترغیب به بهره‌مندی از اجر و دستمزد اخروی ممتد، بزرگ و جاودان در بسیاری از آیات می‌تواند مبین این روحیه سودمحوری باشد. قرآن در آیات بیشماری از کسانی که مال و ثروت خویش را انباشته کرده و قسمتی از آن را در راه یاری رساندن به فقرا خرج نمی‌کنند، انتقاد کرده است (التوبه: ۳۴ و ۳۵) به وضوح می‌توان از توجه قرآن به این گروه، کثرت عددی آنها و در نتیجه رواج این خصلت مذموم میان مردمان شبه جزیره را استنباط نمود.

دلیل اصلی شیوع این اخلاق اجتماعی، گفتمان سودمحوری بود که ریشه در ظهور پدیده تجارت داشت. تجارت فرصتی بی‌نظیر برای آنها فراهم آورده بود تا در مدت کوتاهی خود را به غنای بی‌سابقه‌ای رسانده و مال بی‌شماری را گردآوری و نگاهداری نمایند. این در حالی است که تا پیش از شکل‌گیری تجارت، به دلیل شرایط سخت اقتصادی شبه‌جزیره، ولع و حرص همگانی برای مال‌اندوزی امکان بروز و ظهور نداشت (شیرزاد، ۱۳۹۳، ص ۶۲).

۵-۲. انگیزه‌های سیاسی «بخشش» در فرهنگ عصر نزول

چنانکه اشاره شد، رخداد تجاری شبه‌جزیره به تغییر گفتمان اقتصادی، منجر شد. ریاست وراثتی قبایل که می‌توان آن را مانند الگوی «رئیس‌سالاری پولینزیایی» در نظر گرفت و تاپیش از این تغییر، انباشت ثروت را نیز برای رییس به ارمغان می‌آورد، اینک پس از حاکمیت گفتمان اقتصادی سودمحور تغییر یافته، به الگویی اکتسابی و مشابه الگوی قدرت در جوامع ملانزیایی مبدل شده بود که قدرت او حاصل شایستگی‌های فردی و نه داشته‌های موروثی بود. «تجارت» شرایط را تغییر داده و دستیابی به ثروت اکتسابی و در نتیجه قدرت را میسر می‌ساخت. ثروت و قدرت اقتصادی به تدریج منجر به دستیابی به قدرت سیاسی شده و افراد را به تعبیر ساهلینز به «بزرگمرد» خاندان و یا قبیله‌اش مبدل می‌ساخت (دوپویی، ۱۳۸۵، صص ۱۲۰-۱۲۱).

با وجود این اما، قدرت اکتسابی صاحبان قدرت برای دوام و بقای حیات خود نیازمند لوازمی چون ایجاد مقبولیت و در نتیجه اطاعت و تسلیم از سوی مخاطبان داشت. زیرا قدرت نمی تواند برای مدتی طولانی با زور تداوم یابد و در هر جا و هر شکلی که بکار رود، اگر چه به ظاهر، از سوی اعضای حکومت شونده، به مقبولیت نیاز دارد. یکی از لوازم ایجاد این مقبولیت برای پی ریزی و نیز دست یابی به قدرت برتر، پشتوانه‌ی اقتصادی است. همانگونه که قدرت بزرگمرد ملانزیایی از قابلیت سخنوری (مهارت فردی) و انبارهای غله‌ی او (مهارت اقتصادی) نشئت می گرفت، الگوی قدرت در جامعه عربستان نیز پس از شکل گیری تجارت، با توجه به تغییر ماهیتی آن به الگوی اکتسابی قدرت، از ثروت آغاز می شد. ثروت و توانمندی اقتصادی، شرایطی را فراهم می نمود تا قدرت تداوم یافته و در رقابت با قدرت های اکتسابی دیگر بقا یابد.

پشتوانه‌ی اقتصادی به تدریج رابطه‌ای دوسویه را بین قدرت و مطیعان آن برقرار می ساخت. زیرا صاحبان قدرت، از طریق خلق انگاره و یا تصاویر خیالی از بذل و بخشش های خویش و درافکندن آن خیال به اذهان مردمان، رفته رفته برای خود، مقبولیتی چشمگیر کسب می نمودند که خود مستلزم نوعی اطاعت پذیری از سوی مخاطبان بود. برای مطالعه بیشتر در خصوص تاثیر انگاره ها می توان به اثر قدرت انگاره مراجعه نمود (قراملکی، ۱۳۹۵، صص ۴۹-۴۸).

رواج انگاره شرافت و برتری بخشندگان صاحب قدرت از یک سو و استخفاف مخاطبان و دریافت کنندگان این گونه بخشش ها از سوی دیگر به استمرار و تداوم قدرت و در نتیجه کسب ثروت منجر می شد. گواه این ادعا را می توان در قرآن یافت: «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴). استخفاف، پست انگاری خود و شریف انگاری دیگری را القاء می کند که از طریق بخشش های صاحبان قدرت به تدریج شکل می گیرد.

اعتبار، احترام و جایگاه بالایی که برای فرد بخشنده در نتیجه بخشش های او شکل می گیرد، حاصل شکل گیری چنین انگاره ای است. فرد دریافت کننده بخشش اگر به بازپس دهی بخشش موفق نشود در حقیقت خود را مدیون و مقروض فرد بخشنده قرار

می‌دهد و حتی اگر به بازگرداندن بخشش و هدیه موفق شود، باز هم در موقعیت پائین‌تر (پست‌تر) و بخشنده در موقعیت بالاتر و شریف‌تر قرار خواهد گرفت.

از پیامدهای چنین انگاره‌سازی می‌توان به رواج تدریجی «ربا» و «رشوه» در جامعه اشاره کرد. زیرا صاحبان قدرت با درک ناتوانی دریافت‌کنندگان از بازپرداخت بخشش‌ها، از شیوهٔ رباگونه بازپس‌گیری هدایا و بخشش‌ها بهره خواهند گرفت که به زعم طرفداران آن به تضاعف اموال منجر می‌شد. در مقابل به تدریج انگیزه اعمال سخاوتمندانه و بخشش به فقرا و نیازمندان مانند «قرض» را کمرنگ می‌ساخت.

توسعه گفتمان اقتصادی شبه جزیره در نتیجه تلاش برای کسب ثروت بیشتر در جهت تثبیت اقتدار برای دست‌یابی به جایگاه و قدرت بالاتر و به دنبال آن ثروت بیشتر به میدان رقابت می‌مانست. دقیقاً در چنین گفتمان رقابتی، قرآن کریم مخاطبان خویش را به شرکت در مسابقه‌ای که حاصل آن نه سود و دستمزد مادی که مغفرت و بهشت است ترغیب می‌نماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ...» (بقره: ۱۳۳ و ۱۳۴).

در سوره‌ی تکاثر نیز نمونه‌ای از گفتمان رقابتی شبه جزیره عربستان را می‌توان یافت که حاکی از فخرفروشی‌های مردم در یک گفتمان اقتصادی است. این نوع خودنمایی و تفاخر در فرهنگ قبل از نزول، با انگیزه‌هایی چون دست‌یابی به موقعیت اجتماعی و اعتبار و احترام و در نتیجه شرایط تجاری جدید، نمونه‌های بسیاری دارد؛ تاکید قرآن بر این حقیقت که کریمترین افراد فردی است که به قصد تقوای الهی و نه کسب اعتبار و موقعیت قبیله به بخشش دست می‌زند، باید حاصل این گفتمان دانست: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات: ۱۳).

تلاش برای تغییر این گفتمان سودمحور را در جهان‌بینی قرآن می‌توان از تغییر الگوهای مادی مفاهیم بخشندگی، اعتبار، احترام و شرافت به الگوهای معنوی به وضوح دریافت نمود که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و جهان‌بینی عصر نزول داشته است. با وجود شواهد بسیاری از شواهد زیست‌جاهلی مبنی بر خوی و خصلت بخشندگی و گشاده‌دستی که گاه با مبالغه و افراط آمیخته است، پاسخ این سوال را که چرا قرآن مخاطبان خویش را بارها

به دلیل عدم اکرام یتیمان، صرف نکردن اموال برای نیازمندان و افزایش روند تکاثر و ثروت اندوزی مورد نکوهش قرار داده است، می توان در همین تغییر فرهنگ غالب به فرهنگی سودمحور دانست.

۶. تحول انگاره «کرم» در عربستان عصر نزول

آیات ابتدایی سوره علق، نخستین کاربرد ریشه «کرم» در ساختار قرآن و در حقیقت انقلابی در مفهوم جاهلی «کرم» است. بخششی که تا پیش از این در جهان بینی جاهلی برمحور انسان ها آن هم به صورتی ریاکارانه و سطحی و بی اندیشه شکل می گرفت، اکنون در جهان بینی قرآن به خداوند اختصاص یافته و از انحصار انسان خارج شده بود.

ساخت «اکرم» به صورت افعال تفضیل دربارهی خداوند، تغییر مصداقی آن در ساختار و جهان بینی قرآنی است که با حفظ معنای إعطاء و بخشش، نوع بخشش را از حیث هم مصداق و هم مفهوم مادی به معنوی تغییر می دهد. سخن از خداوندی است که انسان را از خون بسته ای آفرید و به او حیات، زندگی و علم و دانش بخشید. برخلاف جهان بینی قبل از نزول که امر مورد بخشش مال و ثروت بود، جهان بینی قرآنی، امر مورد بخشش را بسیار بزرگتر و برتر می داند. علم، رهایی از جهل، خلقت و آفرینش، موارد إعطاء و بخشش خداوند به انسان هستند.

خداوند از یکسو انسان را آفریده و از سوی دیگر او را مسجود ملائکه قرار داده است. پس از این، کاربردهای دیگر ریشه «کرم» را که در بخش های نخستین این مقاله در قالب هم نشین های «کرم» ارائه شد، باز هم به نوعی در ارتباط با خداوند مشاهده می کنیم. هم نشینی با واژه «مغفره» تداوم این تغییر در ارتباط با خداوند و تغییر الگوی رفتاری بخشایش مادی به بخشایش و غفران الهی است که امری نه مادی بلکه معنوی خواهد بود.

قرآن برای تغییر الگوی «کرم» و بازسازی هرچه بهتر اندیشه ی بخشش بر محور رب و تبیین آن، از الگوی داد و ستد هدیه ای بهره گرفته و رابطه ی رب و مربوب را بسان نوعی داد و ستد به تصویر می کشد. بر این اساس ارائه تصاویر و استعاراتی که از مقایسه رابطه

انسان و خدا با سایر تجارب ملموس بشری حاصل می‌شوند، گام نخست در تحقق تعالیم مزبور است (عندلیبی، ۱۳۸۵، صص ۱۳-۱۴).

در امتداد اسلوب قرآنی «کرم» و به منظور تغییر الگوی مادی به معنوی، در شماری از آیات قرآن، از ایمان و بندگی خدا به تجارت تعبیر می‌شود (فاطر: ۳۵-۲۹؛ الصف: ۱۰) و آنان که در این معامله وارد نمی‌شوند، در روز قیامت دچار خسران خواهند بود (غافر: ۲۷؛ ص: ۱۶)؛ چراکه در ساختار تعالیم اسلامی، انجام عبادت توسط بنده مستوجب ثواب یا اجر؛ به معنای مزد است (عندلیبی، ۱۳۸۵، ص ۷).

اگرچه، ورود عناصر معنایی همچون «مغفرت، مضاعفه، قرض حسن و تکفیر سیئات» در شمار همشین‌ها و جانشین‌های ریشه «کرم» در قرآن، عنصر داد و ستد را در رابطه‌ی «رب و عبد» رنگ غیر مادی بیشتری بخشیده و به همین دلیل نیز هدف غایی این ارتباط، نه سود مادی، که استکمال انسان است و تمامی بخشش‌های الهی نیز در مسیر تحقق این هدف کمال به انسان اعطا می‌شود.

بخشش‌های الهی به انسان در جهان‌بینی قرآن، از آنجا که تمام هستی ملک و میراث خداوند یکتاست، به مثابه امانتی در نزد اوست که همواره با دادن حق نیازمندان و یتیمان و... باید بیانگر مراتب سپاسگزاری او نسبت به رب باشد. اشاره حجم انبوهی از آیات به امر بخشش به نیازمندان، چگونگی انجام آن، انگیزه‌ها و راهکارهای اجرای آن، کاملترین تعالیم و رهنمودهای اخلاقی بخشش را شکل داده‌است؛ چنانکه از نظر قرآن عامل بی‌توجهی و عدم اکرام یتیمان در ناسپاسی مردم نسبت به نعمات و بخشش‌های امانت‌گونه خداوند به انسان ریشه دارد (الفجر: ۱۹-۱۷).

قرآن از هر شرایطی برای ترغیب افراد به بخشش بهره می‌گیرد. پذیرش توبه از جانب خداوند با صدقه پیوند می‌خورد و به عنوان کفاره گناهان بیان می‌شود (التوبه: ۱۰۴-۱۰۳). بخشش با روزه به عنوان عملی مناسکی و دینی می‌پیوندد و محرکه دیگری برای ترغیب بندگان به انجام آن می‌شود (بقره: ۱۹۶). چنانکه حتی در مواردی می‌تواند جایگزین روزه شود.

قرآن گاه گفتاری پسندیده را بخشش می‌داند و آن را برتر از بخششی توأم با آزار و اذیت می‌داند: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۳). قرآن به طور خاص افرادی را حقیقتاً سعادتمند و برخوردار از پاداش الهی می‌داند که امکانات خود را برای یاری به دیگران هزینه کنند (حدید: ۱۸). تعابیر جالبی چون «قرض حسن» و «مضاعفه» (از همنشین‌های «کرم» در قرآن) به عنوان محرکی برای بخشش‌های خیرخواهانه و خداخواهانه افراد به کار رفته است. بر این اساس بخشش‌های افراد در صورتی که با انگیزه‌ی الهی باشد به صورت قرضی به خداوند و با سود چندین برابر از سوی او به پرداخت خواهد شد (بقره: ۲۴۵).

جبران و تلافی در مبادله «قرض» اگرچه بیانگر الزام گیرنده هدیه بر بازپس دادن چیزی مساوی با شیء دریافتی است، با این وجود خداوند خود را به مثابه یکی از طرفین مبادله هدیه‌ای معرفی می‌کند که معامله با او بر ایجاد و توسعه یک رابطه قوی، سود بسیاری را عائد طرف مقابل می‌کند و از کسانی که چنین معامله‌ای با خداوند انجام داده‌اند به عنوان صاحبان تجارتی پرسود، یاد می‌کند (فاطر: ۲۹).

تحول دیگر مفهوم بخشش و إعطاء را باید از حیث کارکرد آن در نظر گرفت. زیرا بخشش در جهان‌بینی جاهلی، چنانکه پیش از این نیز گفتیم، فرد بخشنده را به جایگاهی از شرافت و اعتباری برساخته از بخشش و نه شرافتی ذاتی نائل می‌ساخت که به تعبیر قرآن، گیرنده‌ی آن دچار استخفاف شده، احساس کهنتری می‌یافت. علاوه بر آنکه این بخشش‌ها به تعبیر قرآن آکنده از منت و گاه توأم با اذیت و آزار بود.

تصریح قرآن مبنی بر طلب آمرزش و سخنی پسندیده و بدون آزار و منت به جای چنین بخشش‌هایی (بقره: ۲۶۳) و تعبیر به ابطال صدقات در نتیجه ریاکاری و آزار و منت، به وضوح بیانگر دیدگاه انتقادی قرآن در مواجهه با جهان‌بینی سودمحور بخشش جاهلی است. تاکید به صدقه و بخشش پنهانی در قرآن دقیقاً در راستای جلوگیری از بخشش‌های ریاکارانه و حاکی از خودنمایی افراد صادر شده (بقره: ۲۶۴) تا از تجمل و اسراف که حیثیت را شکل می‌دهند (دوپویی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲) و خود مقدمه‌ای برای دست‌یابی به اعتبار و احترام هستند، خودداری شود.

بخشش و إعطاء به دلیل نوعی ارتباط بالا به پائین و به تعبیر دیگر اشرف بودن، خود مستوجب اطاعت‌پذیری خواهد بود که نوع آن در جهان‌بینی قرآن با اطاعت‌پذیری حاصل از بخشش جاهلی، تفاوتی ماهوی دارد. هنگامی که رب از بنده می‌خواهد تا آنچه را که به او به امانت إعطاء کرده، به دیگر بندگان ببخشد، در صورت اطاعت‌پذیری مستوجب پاداشی مضاعف خواهد شد؛ در نتیجه گناهانش را می‌بخشد و او را مورد رحمت و در نتیجه اکرام خویش قرار می‌دهد.

این سطح از اطاعت‌پذیری، مربوط را به استکمال و کمال آرمانی نائل خواهد ساخت. حال آن‌که اطاعت‌پذیری حاصل از رابطه‌ی داد و ستد جاهلی، فرد را به حقارت، خودکم‌بینی و یا به تعبیر قرآن استخفاف دچار می‌سازد. و این همه عناصری است که در جهان‌بینی قرآن، نوع رابطه‌ی بخشش رب و انسان را از رابطه‌ی بخشش جاهلی فراتر برده، متفاوت ساخته، در نهایت به تمایز نتیجه‌ی این دو نوع مبادله می‌انجامد. این تمایز از آن‌روست که در مبادله‌ی جاهلی، احساس کهنتری حاصل از بخشش برای گیرنده، در نتیجه‌ی تعامل با هم‌نوع شکل می‌گیرد و در قبال او به نوعی خودباختگی منجر می‌شود، در حالی که در جهان‌بینی قرآنی به دلیل آنکه بخشنده، مقدس و غیرهم‌نوع است، احساس به وجود آمده حس مهتری است زیرا بخشنده نه هم‌نوع که رب است و احساس کهنتری و ذُل در برابر رب در حقیقت همان حس مهتری است که هرگز به خودباختگی نخواهد انجامید (قاسم‌احمد، ۱۳۹۶، صص ۱۴۴-۱۴۴).

نتیجه‌گیری

۱. در فرایند شکل‌گیری معانی متعدد ریشه «کرم» معنای بخشش در زبان‌های جنوبی و معانی احترام و اعتبار، تنها در زبان عربی شکل گرفته‌اند؛ از آن جهت که برپایه رویکرد معناشناسی قومی کلمات نمودهای اجتماعی - فرهنگی یک جامعه‌اند، پاسخ این سوال که چرا این تحول در زبان عربی رخ داده و آیا این تحول معنایی با جهان‌بینی و فرهنگ مردمان عصر نزول مرتبط است؟، از طریق دیدگاه‌های انسان‌شناسان اقتصادی در پدیده‌ی بخشش

جاهلی در فرهنگ عصر نزول قابل پیجویی است که از طریق بازخوانی علل، زمینه‌ها و انگیزه‌های بخشش و به مثابه امری چندوجهی محقق خواهد شد.

۲. «کرم» یکی از اختصاصی‌ترین واژه‌ها در معنای بخشش و یکی از افتخارات و آرمان‌های جاهلی، در قرآن استعمال شد اما به جهت تفاوت بسیار در دو جهان‌بینی، این ریشه در قرآن از نظر مصداق و مفهوم دستخوش تحول معنایی شد. به این ترتیب آخرین مرحله از فرایند معناسازی ریشه «کرم» در قرآن رخ داده‌است. در این مرحله شاهد تغییر الگوهای مادی کاربرد بخشش جاهلی به الگوهای معنوی آن هستیم. هم‌نشینی ریشه «کرم» با مفهوم «مغفرت» و مصداق «رب» با بالاترین بسامد در میان هم‌نشین‌های این ریشه، به وضوح مبین این تغییر الگویی است

۳. بر مبنای بررسی‌های انسان‌شناسانه فضای نزول تغییر گفتمان اقتصادی شبه‌جزیره عربستان در نتیجه رخداد بزرگ تجاری آستانه نزول، عامل اصلی تغییر بخشش و مبادلات هدیه‌ای به بخشش‌هایی توأم با انگیزه‌هایی صرفاً اقتصادی و سیاسی بود که قرآن دقیقاً از این جنبه به تغییر جهان‌بینی جاهلی اقدام نمود. تأکید به انجام بخشش‌ها بر محور تقوا، اصلاح نظام دریافت هدیه و بخشش بدون هیچگونه اذیت و آزار و منتی، معرفی رب به مثابه برترین مصداق «کرم و بخشش»، ایجاد انگیزه برای بخشش‌های خالصانه از طریق اشاره به جبران و چندبرابر نمودن سود آن و احیای سنت قرض از جمله چنین تلاش‌هایی است. علاوه بر این، تغییر الگوی بخشش مادی به بخشش‌های معنوی از طریق هم‌نشینی واژگانی چون مغفرت، رحمة، تقوی و... و تلاش برای تغییر گفتمان سودآوری از طریق شیفت معنایی واژگان خاص آن مانند اجر و قرض به کاربردهای معنوی و در رابطه با جهان آخرت، حاکی از تحول معنایی «کرامت» جاهلی در جهان‌بینی قرآنی است.

۴. مفهوم «کرم» را در فضای عربستان قبل از نزول بر پایه‌ی معناسازی قومی و دیدگاه‌های انسان‌شناسان اقتصادی، صرفنظر از انگیزه‌های اخلاقی آن، دو گونه می‌توان تحلیل نمود:

۴-۱. برپایه‌ی انگیزه‌های سیاسی؛ که صاحبان قدرت با توجه به تغییر گفتمان اقتصادی شبه‌جزیره برای کسب اعتبار، احترام و پرستیژ به منظور پی‌ریزی مجدد قدرت اکتسابی به بخشش روی می‌آوردند،

۴-۲. از طریق کارکردهای بخشش که، با خودنمایی و افراط، به آفرینش انگاره‌ی شرافت در میان مردم مبادرت ورزیده و بدینسان رابطه‌ی علی و معلولی میان شرافت و بخشش و کسب و تثبیت قدرت بیشتر ایجاد می‌گردید. لذا از آنجا که مبدأ «کرم» در جهان‌بینی قرآنی خداوند است و نه انسان‌ها، باید بر محور تقوای الهی باشد. به همین دلیل نیز این دو تحلیل تبیین دقیقی از باز تعریف انتقادی «کرم» در جهان‌بینی قرآن پیش روی ما می‌نهد که در مواجهه با پدیده‌ی بخشش جاهلی از نظر بستر شکل‌گیری آن، انگیزه‌ی جبران و نوع انجام آن متفاوت است.

۵. انگاره‌ی شریف‌پنداری در جهان‌بینی قرآن اگرچه تغییر نمی‌کند و قرآن بر آن صحه می‌گذارد، اما عامل شرافت بازسازی و مفهوم‌سازی جدیدی از آن ارائه می‌شود. به بیان دیگر مفهوم «کرم» در جهان‌بینی قرآن وارد مرحله‌ی دیگری از فرایند معناسازی خود شده و در هم‌نشینی با واژگان دیگری تغییر ماهیت یافته و مفهوم معنوی به خود گرفته و از مفهوم بخشش مادی فاصله می‌گیرد. به این ترتیب برخلاف جهان‌بینی جاهلی، که إعطاء به صورت مالی و کاملاً مادی انجام می‌گرفت و احترام و اعتبار نیز به منزله‌ی پاسخ این بخشندگی و إعطاء بود، در جهان‌بینی قرآن، إعطاء، فقط بخشش مالی و مادی نبوده، هدف از آن نیز در جلب احترام و اعتبار محدود نخواهد بود.

۶. با توجه به دیدگاه خاص قرآن در خصوص پدیده‌ی بخشش، و تفاوت بسیار آن هم از بعد انگیزشی و هم از بعد انجام آن با بخشش جاهلی، در جهان‌بینی قرآن واژگان دیگری چون صدقه، انفاق، زکات، عهده‌دار معنای بخشش قرآنی شده و به تدریج ریشه‌ی «کرم» به واژگان دیگری چون احترام، اعتبار و شرافت که می‌توان آنها را انگیزه و حاصل بخشش دانست، اختصاص یافت. کاربرد این واژه به تعداد ۴۷ بار، که تنها ۱۴ بار در سوره‌های مدنی به کار رفته است، به وضوح مؤید چنین تغییری است؛ زیرا به دلیل آشنایی بسیار مردمان جاهلی با این واژه، قالب کاربردهای آن متعلق به سوره‌های مکی است. به این

معنا که اگرچه بخشش در قرآن بسیار مورد توجه و از هر فرصتی برای توسعه آن تلاش شده است، اما واژگان دیگری این وظیفه را عهده دار شده و مفهوم بخشش مادی در ریشه «کرم» به کاربرد معنوی توسعه یافته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسملسر، نیل، جی (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی اقتصادی*، ترجمه: محسن کلاهچی، تهران: انتشارات کویر.
۳. اردبیلی، لیلا (۱۳۹۴)، *رساله پیشکش*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. العلی، صالح احمد (۲۰۰۰)، *تاریخ العرب القدیمة و البعثه النبویه*، بیروت: شرکه المطبوعات للتوزیع و النشر.
۵. اولیف، جین؛ دمن، مک (۱۳۹۰)، *دائرة المعارف قرآن کریم (EQ)*، تهران: نشر حکمت.
۶. ایزوتسو. توشیهیکو (۱۳۷۸)، *مفاهیم اخلاقی ادبی در قرآن مجید*، تهران: نشر فرزانه.
۷. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، *خدا و انسان در قرآن* ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. بوریس، وایزمن؛ لوی، استروس (۱۳۷۹)، *قدم اول*، ترجمه: نورالدین رحمانیان، تهران: نشر شیرازه.
۹. جانسون، لیکاف؛ جرج، مارک (۱۳۹۵)، *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم*، ترجمه: هاجر آقا ابراهیمی، تهران: نشر علم.
۱۰. جواد، علی (۱۹۹۳)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بغداد: انتشارات دانشگاه بغداد.
۱۱. دوپویی، فرانسیس (۱۳۸۵)، *انسان شناسی اقتصادی*، ترجمه: محدثه محب حسین، تهران: نشر علم.
۱۲. ریویر، کلود (۱۳۷۹)، *درآمدی بر انسان شناسی*، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر مرکز.

۱۳. رمضانی، ولی اله (۱۳۹۵)، *درآمدی بر ساختارگرائی*، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.
۱۴. فرخ‌نیا، رحیم (۱۳۷۶)، *مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی*. همدان: دانشگاه بوعلی همدان.
۱۵. قاسم احمد، مریم، (۱۳۹۶)، رساله دکتری: «*تحلیل مفهومی کرامت در قرآن و روایات در پرتو دانش معناشناسی و ملاک‌های سنجش آن در رفتار ارتباطی*»، استاد راهنما: أحد فرامرز قراملکی، عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. قراملکی، أحد فرامرز (۱۳۹۵)، *قدرت انگاره*، تهران: نشر مجنون.
۱۷. شیرزاد، محمد حسین (۱۳۹۳)، پایان نامه کارشناسی ارشد: «*مفهوم ربا در فضای نزول قرآن کریم*»، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. لوی استروس، کلود (۱۳۷۹)، *دیدگاه مردم‌شناسی*، ترجمه: نعمت‌الله تقوی، تهران: نشر دنیا.
۱۹. مور، جری دی (۱۳۹۱)، *زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی*، ترجمه: هاشم آقا بیگ پوری، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۲۰. وات، مونتگمری (۲۰۰۲)، *محمد صلی الله علیه و سلم فی مکه*، ترجمه: عبدالرحمن عبدالله الشیخ، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
21. Black.J & George.A & Postgate.N (2000), *A Concise Dictionary of Akkadian*, Germany, Otto Harrassowitz verlag & Wiesbaden.
22. Costaz, L. (1984), *Dictionnaire syriaque- français*, Beirut: Dar El-Machreq.
23. Dillmann, A. (1865), *Lexicon Linguae Aethiopiae*. Lipsiae.
24. Gesenius, William (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F.A.
25. Jastrow, M. (1950), *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*. (Reprint) New York: Pardes Publishing House.
26. Leslau, W. (1987), *Comparative dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic)*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
27. Mauss, Marcel, (1966), *the gift*, London: Lowe and Brydone
28. Malinowski, B. (1922,) *Argonauts of the Western Pacific*, London.
29. Strathern&Stewart (2005), *Ceremonial exchange, A hand book of economic anthropology*, UK: Edward elgar.
30. The Assyrian Dictionary (CAD), (1964), *The oriental institute of the university of Chicago*.

31. Zammit, Martin, (2002), *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden: Brill.

Bibliography:

1. The Holy Qur'ān.
2. Ali ŞA. Ta'rīkh al-'Arab al-Qadīm wa al-Ba'that al-Nabawīyyah. Beirut: Sheirakat al-Maṭbū'āt; 2000.
3. Ardabili L. Present Treatise (Resale Pishkesh). Tehran: Elmi va Farhangi; 1394 HS.
4. Black J. George A. Postgate N. A Concise Dictionary of Akkadian. Germany: Otto Harrassowitz verlag & Wiesbaden; 2000.
5. Costaz L. Dictionnaire Syriaque Français. Beirut: Dar El-Mashreq; 1984.
6. Dillmann A. Lexicon Linguae Aethiopiae. np.: Lipsiae; 1865.
7. Dupuy F. Economique Anthropologyie. Mohaddethe Mohebbe Hussein. Tehran: Nashre Elm; 1385 HS.
8. Farrokh-nia R. An Introduction to Anthropology. Hamedan: Bu Ali Sina University; 1376 HS.
9. George L. Metaphors We Live by. Tran: Hajar Aqa-Ebrahimi. Tehran: Elm; 1395 HS.
10. Gesenius W. A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament. ed. F.A. np.; 1939.
11. Izutsu T. Ethico-Religious Concepts in the Qur'an. Tehran: Farzan; 1378 HS.
12. Izutsu T. God and Man in the Koran. Tran: Ahmad Aram. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar; 1361 HS.
13. Jastrow M. A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature. (Reprint) New York: Pardes Publishing House; 1950.
14. Jawad A. Al-Mufaṣal fi al-Ta'rīkh al-'Arab Qabl al-Islam. Bagdad: The University of Bagdad; 1993.
15. Leslau W. Comparative Dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic). Wiesbaden: Otto Harrassowitz; 1987.
16. Malinowski B. Argonauts of the Western Pacific. London; 1922.

17. Mauss M. The gift. London: Lowe and Brydone; 1966.
18. Mc Aliffe JD. Encyclopedia of the Quran (EQ). Persian Tran. Tehran: Hekmat; 1390 HS.
19. Moore JD. Visions of Culture: An Introduction to Anthropological Theories and Theorists. Tran: Hashem Aqa-Beigpouri. Tehran: Jame'e Shenasan; 1391 HS.
20. Qaramaleki AF. The Power of Tenet (Engareh). Tehran: Majnoon; 1395 HS.
21. Qasem-Ahmad M. Conceptual Analysis of Kirāmah in the Qur'an and Traditions in the Light of Semantics and Criteria of its Evaluation in Communication Behavior (PhD Thesis). Tehran: University of Tehran; 1396 HS.
22. Ramezani M. Gharbi V. An Introduction to Structuralism. Tehran: University Jihad Organization; 1395 HS.
23. Riviere C. Introduction to Anthropology. Tran: naser Fakouhi. Tehran: Nashre Markaz; 1379 HS.
24. Shirzad MH. The Concept of Ribā' (Usury) in the Atmosphere of the Revelation of the Holy Qur'an. Tehran: Imam Sadeq University; 1393 HS.
25. Smelser NJ. The Sociology of Economic Life. Tran: Mohsen Kolahchi. Tehran: Kavir; 1376 HS, 1st ed.
26. Strathern & Stewart. Ceremonial exchange, A hand Book of Economic Anthropology. UK: Edward Elgar; 2005.
27. Strauss CL. The Scope Anthropology. Tran: Ne'matullah Taqavi. Tehran: Donya; 1379 HS.
28. The Assyrian Dictionary (CAD). The Oriental Institute of the University of Chicago; 1964.
29. Watt WM. Muhammad at Mecca. Tran: Abdurrahman Abdullah Al-Shaikh. Cairo: Al-Hai'at al-Miṣrīyah Al-Āmmah lil-Kitāb; 2002.
30. Wiseman B. Levi - Struss for Beginners. Tran: Nour al-Din Rahmanian. Tehran: Shirazeh; 1379 HS.
31. Zammit M. A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic. Leiden: Brill; 2002.